شرق روزنامه
www.sharghdaily.com | aparat:tasvirshargh | Telegram:SharghDaily | youtube:sharghdaily | twitter:sharghdaily | instagram:sharghdaily1

یادداشت

## تغییرات اقلیمی در سال ۱۴۰۳؛ تحلیلی بر چالش‌ها و چاره‌ها

یادداشت صفحه اول

با وجود تلاش‌های جهانی، انتشار گازهای گلخانه‌ای در سال ۱۴۰۳ به بالاترین سطح تاریخی خود رسید که نشان‌دهنده ناکافی‌بودن اقدامات کاهشی و تداوم وابستگی به سوخت‌های فسیلی بود. تغییر کریماسُن زمین و رویدادهای اقلیمی شدید، شیوع بیماری‌های مرتبط با گرما و آب آلوده را افزایش داد. سازمان بهداشت جهانی گزارش داده که این تغییرات هرساله تلفات درخورتوجهی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به دنبال دارد. این چالش‌ها، وضعیت بحرانی اقلیم در سال ۱۴۰۳ را نشان می‌دهد که نه‌تنها طبیعت، بلکه جوامع انسانی را نیز تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار داده است.

**فناوری شمشیری دولبه در برابر تغییرات اقلیمی**

فناوری، که خود یکی از عوامل اصلی مشکلات کنونی است، نقشی حیاتی در مقابله با چالش‌های اقلیمی دارد و به‌عنوان ابزاری کلیدی برای کاهش اثرات و سازگاری با تغییرات اقلیمی شناخته می‌شود. در سال ۱۴۰۳، پیشرفت‌های قانوآلوده در حوزه‌های گوناگون، فرصت‌هایی نوبدبخش ایجاد کردند. در ادامه پنج نقش کلیدی نوآوری‌ها در این زمینه بررسی می‌شود:

**کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای**

**انرژی‌های تجدیدپذیر:** پیشرفت در فناوری‌های خورشیدی (مانند سلول‌های پروسکایت با راندمان بالا)، بادی (توربین‌های شناور دریایی) و هیدروژنی، وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش داد.

**ذخیره‌سازی انرژی:** باتری‌های پیشرفته (مانند باتری‌های حالت جامد) و فناوری‌های ذخیره‌سازی هیدروژن، استفاده مداوم از انرژی‌های تجدیدپذیر را ممکن ساختند.

**جذب و ذخیره کربن (CCS):** فناوری جذب دی‌اکسید کربن و تبدیل آن به مواد مفید یا ذخیره زیرزمینی، در سال ۱۴۰۳ به مرحله تجاری‌سازی نزدیک‌تر شد و در برخی کشورها به صورت آزمایشی اجرا شد.

**مدیریت رویدادهای شدید آب‌وهوایی**

**هوش مصنوعی:** الگوریتم‌های هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های عظیم، دقت پیش‌بینی توفان‌ها و سیل‌ها را افزایش دادند و به کاهش خسارات کمک کردند.

**سیستم‌های هشدار زودهنگام:** حسگرهای پیشرفته و اینترنت اشیا (IoT) برای هشدار سریع در برابر بلایایی مانند سیل و آتش‌سوزی به کار گرفته شدند.

**سازگاری با تغییرات اقلیمی**

**کشاورزی هوشمند:** فناوری‌هایی مانند کشاورزی دقیق با استفاده از پهپادها و حسگرهای خاک، بهره‌وری را در شرایط خشک‌سالی بهبود بخشیدند.

**مهندسی ژنتیک:** توسعه گیاهان مقاوم به گرما و خشکی (مانند گندم و برنج اصلاح‌شده با CRISPR) امنیت غذایی را تقویت کرد.

**مدیریت آب:** سیستم‌های تصفیه و نمک‌زدایی با انرژی خورشیدی، بحران کمبود آب را در مناطق خشک تسکین دادند.

**کاهش اثرات زیست‌محیطی**

**اقتصاد چرخشی:** فناوری‌های بازیافت پیشرفته، زباله و آلودگی را کاهش دادند.

**مصالح پایدار:** مواردی مانند بتون سبز و پلاستیک‌های زیست‌تخریب‌پذیر در ساخت‌وساز و بسته‌بندی رواج یافتند.

**نظارت و آگاهی‌بخشی**

**ماهواره‌ها:** سنجش از دور با ماهواره‌های پیشرفته، نظارت بر تغییرات اقلیمی را دقیق‌تر کرد.

**بلاک‌چین:** این فناوری با شفاف‌سازی زنجیره‌های تأمین، به کاهش ادعاهای جعلی زیست‌محیطی کمک کرد.

**موانع پیش‌روی فناوری‌های نوین**

با وجود این پیشرفت‌ها، موفقیت فناوری‌ها با چالش‌هایی جدی مواجه است:

**هزینه بالا:** اجرای فناوری‌هایی مانند ذخیره‌سازی کربن یا نمک‌زدایی برای کشورهای در حال توسعه مقرون به صرفه نیست.

**دسترسی نابرابر:** تمرکز فناوری‌های پیشرفته در کشورهای توسعه‌یافته، شکاف تکنولوژیک میان شمال و جنوب جهانی را عمیق‌تر می‌کند.

**اثرات ثانویه:** استفاده گسترده از برخی راهکارها، مانند باتری‌ها، به استخراج نایاب‌دار مواد معدنی (مانند لیتیوم) و آسیب‌های زیست‌محیطی منجر می‌شود که هزینه‌های آن کمتر از سوخت‌های فسیلی نیست.

فناوری، مانند شمشیری دولبه، از سویی ابزاری قدرتمند برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی است و از سوی دیگر، نیازمند مدیریت دقیق برای جلوگیری از ایجاد مشکلات جدید. در سال ۱۴۰۳، درحالی‌که کرمایش زمین و بلایای طبیعی تهدیدی بی‌سابقه برای حیات ایجاد کرده‌اند، تحولات فناورانه امیدهای تازه‌ای برای آینده به ارمغان آورده‌اند. با این حال، بدون همکاری بین‌المللی مؤثر و رفع موانع اقتصادی و زیست‌محیطی، این راهکارها نمی‌توانند به‌تنهایی بحران اقلیم را مهار کنند.

## آیا برکاشت درختی نجات‌بخش است؟

یادداشت صفحه اول

برای اطمینان از اینکه کاشت درخت به پایداری زیست‌محیطی کمک بحث است، باید تغییرات اقلیمی و تنش‌های محیطی مقاوم باشد. اقدامات علمی و دقیقی باید انجام شود. نخست، پژوهش‌های مکان‌محور و ارزیابی‌های اکولوژیکی پیش از هرگونه درختکاری ضروری است تا گونه‌های مناسب برای هر منطقه شناسایی شوند. این ارزیابی‌ها باید تأثیرات تغییرات اقلیمی و تنش‌های محیطی مانند خشک‌سالی، تغییرات دما، آلودگی هوا و کیفیت خاک را نیز در نظر بگیرند. در مرحله بعد، انتخاب گونه‌های بومی و مقاوم به شرایط اقلیمی و خاکی محلی در اولویت قرار دارد. چنین گونه‌هایی نه‌تنها با محیط زیست محلی سازگارند، بلکه از نظر اکولوژیکی نیز پایدارتر خواهند بود. علاوه‌براین باید با نظارت مستمر از درختان ضروری است.

این فرایند شامل نظارت بر سلامت درختان، تحلیل تأثیرات اکوسیستمی و ارزیابی مداوم اثرات تنش‌های محیطی و تغییرات اقلیمی بر آنهاست. چنین نظارتی کمک می‌کند تا از مشکلاتی مانند رشد ناکافی، مقاومت پایین به آفات و بیماری‌ها یا تبدیل‌شدن به گونه‌های مهاجم جلوگیری شود. در نهایت، هم‌راستایی این اقدامات با سیاست‌های کلان مدیریت منابع آب، کاربری اراضی و حفظ تنوع زیستی، می‌تواند اثرات مثبت درختکاری بر محیط زیست را تقویت کند.

سیاست‌گذاران و مردم باید درختکاری را نه‌تنها به‌عنوان یک اقدام نمادین، بلکه به‌عنوان راهکاری علمی، مؤثر و پایدار برای حفاظت از محیط زیست و آینده زمین در نظر بگیرند. اگر گیاهان بر پایه اصول اکولوژیکی و سازگاری بلندمدت به‌درستی انتخاب و کاشته شوند، می‌توانند نقش‌های متعددی ایفا کنند: ازجمله جذب کربن، تصفیه هوا، تثبیت خاک، کاهش اثر جزیره گرمایی شهری، بهبود کیفیت آب، حفظ تنوع زیستی و کاهش خطر سیلاب‌ها. افزون بر این، گیاهان زینتی‌گاه‌های امنی برای گونه‌های جانوری فراهم کرده و به افزایش تاب‌آوری اکوسیستم‌ها در برابر تغییرات اقلیمی کمک می‌کنند؛ بنابراین نوع درختکاری نباید صرفا به کاشت درخت خلاصه شود، بلکه باید در انتخاب هوشمندانه گونه‌های سازگار، کاشت آنها در مکان‌های مناسب و با اهداف روشن زیست‌محیطی متمرکز شود تا این اقدام نمادی از تعهد واقعی به پایداری و حفظ اکوسیستم‌ها باشد.

***پژوهشگر علوم محیطی و گیاهی**

یادداشت

## انجماد اقتصادی

یادداشت صفحه اول

جنرال موتورز بزرگ‌ترین شرکت دنیا محسوب می‌شد و در سال‌های دهه ۱۹۵۰، ۶۰ درصد از اتومبیل‌های ایالات متحده ساخت جنرال موتورز بود.

دروافع می‌توان گفت هر آنچه برای جنرال موتورز خوب بود، برای اقتصاد آمریکا هم خوب بود. در همین دهه صنعت خودروسازی ۲۰ درصد از تولید ناخالص ملی آمریکا را در اختیار داشت. بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۷ میانگین بازده دارایی‌های صنایع آمریکا ۴٫۴ درصد بود، درحالی‌که همین میانگین برای جنرال موتورز در همان دوره ۱۴٫۶۷ درصد برآورد شده است.

در همین ایام تولید و مصرف اتومبیل در ایالات متحده رشدی خیره‌کننده داشت. در سال ۱۹۵۸ تعداد اتومبیل‌های موجود در آمریکا ۵۰ میلیون بود. اما در سال ۱۹۷۰ به صد میلیون رسید. گسترش خومه‌های شهری با سرمایه‌گذاری‌های دولت استفاده از اتومبیل را ضروری‌تر ساخت، همچنین سرمایه‌گذاری‌های هنگفت دولت از محل بودجه عمومی برای ساخت آزادراه‌ها - که مالکان اتومبیل در آن آزادی عمل فوق‌العاده احساس می‌کردند- بر جذابیت استفاده از اتومبیل افزود.

در سال ۱۹۷۳، ۶۵ درصد از مردیکبرن آمریکایی-آفریقایی‌تبار و ۹۵ درصد از مردیکبرن آمریکایی سفیدپوست صاحب اتومبیل بودند. اگرچه شرط ضروری رشد اقتصادی نظام سرمایه‌داری آمریکا پس از جنگ جهانی دوم نفت ارزان بود، ولی اتومبیل واقعا نیروی محرک اصلی آن به حساب می‌آمد.

اکنون دهه‌ها از آن دوران می‌گذرد و حال، صنعت خودروسازی آن جایگاه رفیع گذشته را از دست داده است. براساس اطلاعات منتشرشده درحال‌حاضر سهم این صنعت از تولید ناخالص داخلی آمریکا تنها به درصد است. همچنین در سال ۲۰۲۳ صنایع مربوط به حوزه فناوری و اطلاعات سریع‌ترین رشد را در میان دیگر صنایع فعال در اقتصاد آمریکا تجربه کرده‌اند.

شرکت جنرال موتورز که روزگاری رتبه اول را در میان بنگاه‌های اقتصادی در کشور ایالات متحده به خود اختصاص داده بود، براساس اعلام مجله فورچون، هم‌اکنون به جایگاه بیست‌ونهم در میان بنگاه‌های صنایع آمریکا تنزل پیدا کرده است.

در کتاب «ظهور و سقوط ملت‌ها» به قلم روچید شارما چنین می‌خوانیم که: کارل بندیکت فری و مایکل ازبورن، دو محقق دانشگاه آکسفورد، پیش‌بینی کرده‌اند که در دو دهه آینده، حدود ۵۰ درصد مشاغل ایالات متحده به دلیل رواج اتوماسیون و هوش مصنوعی در معرض خطر قرار دارند. یکی از مشاغل مورد تهدید مربوط به راننده‌گی اتومبیل و کامیون‌ها است که پیش‌بینی می‌شود تا دو دهه آینده با اتومبیل‌ها و کامیون‌های هوشمند جایگزین شوند.

همچنین محققان مؤسسه مک‌کنزی خاطرنشان می‌کنند که حدود یک‌سوم مشاغل جدید خلق‌شده در ایالات متحده حدود ۲۵ سال قبل اصلا وجود خارجی نداشته‌اند. آنها پیش‌بینی می‌کنند که این فرایند در آینده نیز به همین منوال تکرار خواهد شد.

نتیجه آنکه حذف کسب‌وکارهای قدیمی و اضافه‌شدن حرفه‌های تازه، افول صنایع قبلی و رونق صنایع جدید از نشانه‌های تحرک و پویایی بالای یک اقتصاد محسوب می‌شود. این دینامیسم و پویایی، ضامن ادامه حیات اقتصاد بوده و ماندگاری و بقای یک اقتصاد را تضمین می‌کند.

اما تعداد محدودی از کشورها دارای چنین انعطاف و تحرکی هستند. تعداد بی‌شماری از کشورها با داشتن اقتصادی غیرمنعطف و رخوت‌انگیز هرگز نتوانسته‌اند در مسیر رقابت جهانی قرار بگیرند. شارما در کتاب خود چنین اشاره می‌کند که: عالب کشورهایی که اقتصاد آنها متکی به استخراج منابع طبیعی (نفت، گاز، طلا، فلزات، معادن و...) است، گرفتار تنبلی و کاهلی بوده و دچار بی‌توجهی در ایجاد تنوع در اقتصاد شده‌اند. او بعضی کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و برخی کشورهای خاورمیانه را مصداق این مورد معرفی می‌کند. اساسا دسترسی آسان به منابع طبیعی احتمال‌زا است و باعث می‌شود تا دولتمردان و بازیگران اصلی اقتصاد تلاشی را صرف خلق ثروت به روش‌های خلاقانه و مبتکرانه به کار نبرند.

شاکله اقتصاد ایران دهه‌هاست متکی بر فروش و صادرات نفت، گاز، مشتقات نفتی و استخراج مواد معدنی و فلزی است. به این معنی که اندکی کاهش در تولید نفت، گاز و مشتقات نفتی و گازی با کاهش قیمت جهانی، تبعیت‌پذیر از بر اقتصاد ایران تحمیل می‌کند.

براساس داده‌های گمرک، کل صادرات کشور در سال ۱۴۰۲ حدود ۸۷ میلیارد دلار بوده است که حدود ۶۴ میلیارد دلار آن سهم نفت و مابقی صادرات غیرنفتی است.

آنچه بیشتر محل بحث است، ساختار و ترکیب صادرات غیرنفتی است. براساس اطلاعات منتشرشده، اقلام مؤثر در صادرات غیرنفتی عبارت‌اند از: آتانول، معیانات گازی، بوتان، پروپان، قیر، اوره، پلی‌اتیلن، کار طبیعی مایع و سنگ آهن؛ بنابراین کیفیت صادرات غیرنفتی ایران را می‌توان عمدتا در زمره صادرات نفتی قلمداد کرد. در مجموع ترازتجاری ایران فاقد تنوع و کوناگونی لازم است. جالب‌تر آنکه بنیاد و ساختار کوته‌های صادراتی ایران طی حدود یک دهه گذشته تغییر اندکی داشته و اقلام یادشده همواره عمده صادرات غیرنفتی ایران را در بر گرفته‌اند. دسترسی آسان به مابع طبیعی و بهره‌مندی از مناسبات رانتی، همواره انگیزه‌های لازم برای خلق ابداعات جدید را از بین برده. ازاین‌رو هیچ‌گاه تولیدات صنعتی و کالاهای با سطح بالای فناوری و تکنولوژی نتوانسته‌اند جایگاه حاز اهمیتی را در تجارت و صادرات کسب کنند.

سخن آخر اینکه جامعه‌جایی و تحرک در اقتصاد، تابعی از سطح بالایی از پویایی و انعطاف‌پذیری سازمان‌های اقتصادی است. سازمان‌های اقتصادی که پذیرای تغییر در برابر جالش‌ها و دگرگونی‌ها باشند، درواقع با انطباق خود با شرایط جدید، بقا و پایداری خود را تضمین می‌کنند. همه اقتصادها با مسئله چوگنگی بقا در مواجهه با ناقطمینان‌ها، مجموعه هرگز پایان‌ناپذیر چالش‌های جدید، دگردیسی‌ها و بحران‌ها روبه‌رو هستند.

سوء ساختار اقتصادی پویا، انعطاف‌پذیر و رقابتی، همواره با ایجاد جریان آزاد اندیشه‌ها و ایده‌های اقتصادی، طیفی از روش‌های بالقوه برای درک و حل مسائل جدید ایجاد می‌کند. لازمه ایجاد تنوع در اقتصاد، وجود سازمان‌های منعطف، رقابتی، چندوجهی و خلاقانه سیاسی است. نهادهای سیاسی غیراخصوصی باعث ایجاد سازمان‌های اقتصادی رقابتی و چابک می‌شود. اقتصاد ایران سال‌هاست فاقد تحرک و پویایی کافی است. لازمه خروج از انجماد اقتصادی و ایجاد زمینه‌ای مناسب برای ایجاد جابه‌جایی و چنبوجوش در صنایع و فعالیت‌های اقتصادی، خلق سازمان‌های اقتصادی رقابتی و چندوجهی است. طبق گفته دالگاس نورث، برنده جایزه نوبل اقتصاد و نویسنده کتاب «در سایه خشونت»، وجود این‌گونه سازمان‌های اقتصادی را باید در کنار سازمان‌های سیاسی غیراخصوصی جست‌وجو کرد.

در مراسم مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی به مناسبت روز جهانی زن سیر تغییر قانون حمایت از خانواده بررسی شد

# تنها راه؛ آگاهی‌رسانی و تغییر قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان

**مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی روز دوشنبه ۲۰ اسفند به مناسبت هشتم مارس نشستی با عنوان «بررسی سیر تحول قانون حمایت از خانواده در ایران معاصر» برگزار کرد. در این مراسم چهار سخنران حضور داشتند و تلاش شد با همراهی حاضران گفت‌وگوی جمعی شکل بگیرد. سخنرانان به تاریخچه شکل‌گیری قانون حمایت از خانواده، تغییرات و تحولات آن و آنچه امروز زنان به آن نیاز دارند، پرداختند. در ابتدای مراسم فاطمه علمداری، جامعه‌شناس، به‌عنوان سخنران اول روند تاریخی قانون حمایت از خانواده را تشریح و با نگاهی جامعه‌شناختی از کمبودها و نقایص آن و تأثیری که بر زندگی زنان داشته، گفت. صدیقه وسمقی نیز که به صورت آنلاین در این نشست حضور داشت، با نگاهی فقهی به مصائب زنان در حوزه قانون‌گذاری پرداخت. ازجمله لوایحی که با ادعای حمایت از زنان در سال‌های ماخرتدوین شد، لایحه منع خشونت علیه زنان است که به نوعی می‌توان آن را در ادامه شکل‌گیری قوانین حمایت از خانواده تلقی کرد. طیبه سیاوشی، از اعضای فراکسیون زنان مجلس دهم، از دیگر سخنرانان نشست روز دوشنبه بود که از فرازوفرودهای لایحه منع خشونت علیه زنان گفت. در پایان نشست نیز فاطمه فرهنگ‌خواه، از کنشگران مدنی، مروری داشت بر فعالیت‌های زنان کنشگر در ایران پس از انقلاب و تلاش‌هایی که برای ترمیم و تغییر قوانین علیه زنان از سوی فعالان این حوزه انجام شد. در این نشست قوانین مربوط به زنان از نگاه‌های تاریخی، جامعه‌شناختی، فقهی و سیاسی مورد بررسی جمعی قرار گرفت و در آخر نیز حاضران پرسش‌ها و نظرات خود را درباره موضوع جلسه مطرح کردند.**

قضائی‌شدن طلاق و محدودکردن شوهر به موارد بیش‌بینی‌شده در قانون در جریان بود یا متوقف ساخت و اختیار شوهر در طلاق زن و مفاد ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی ۱۳۱۳ را دوباره احیا کرد. به طوری که تبصره نوع از ماده اول این لایحه می‌گوید: «موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده وی در مواردی که شوهر به استناد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی تقاضای طلاق می‌کند دادگاه بدوا حسب آیه کریمه «فان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهله و حکما من اهلها فان یرید اصلاحا یوفق‌الله بینهما ان‌الله کان علیما خبیرا» موضوع را به داوری ارجاع می‌کند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود، اجازه طلاق به زوج خواهد داد. در مواردی که بین زوجین راجع‌به طلاق توافق شده باشد، مراجعه به دادگاه لازم نیست. حکم این تبصره در دادگاه‌های عمومی دادگستری نیز لازم‌الرعایه است». در واقع سال ۱۳۵۸ مصوب شد که اگر مرد در شرایطی برای طلاق تقاضا بدهد که زن هم با او موافقت دارد (فارغ از اینکه این توافق در چه شرایطی انجام شده و آیا مصالح زن در آن لحاظ شده است یا خیر) دیگر احتیاجی به دادگاه و گذراندن داوری نیست و می‌توانند هر زمان که خواستند بروند دفترخانه و طلاقشان را ثبت کنند و این بازگشتی صریح به سال ۱۳۱۳ بود که مرد برای طلاق نیازی به مراجعه به دادگاه نداشت».

۸ دی‌ماه ۱۳۶۱ مـوادی از قانون مدنی و از جمله مـاده ۱۱۳۰ که راجع‌به حق تقاضای طلاق زوجه بود، اصلاح شـد. این جامعه‌شناس درباره‌اش گفت: «بر این اسـاس؛ «در صورتی که برای محکمه ثابت شود که دوام زوجیت موجب عسر و حرج اسـت می‌تواند برای جلوگیری از ضرر و حرج زوج را احیاء طلاق نماید و در صورت مرسـتبـدن به آن حکم شـرع طلاق داده می‌شود». ۳ مهرماه ۱۳۷۹ تبصره‌ای که ذیل ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی تصویب شد، عسر و حرج را وضعیتی تعریف کرد که «ادامه زندگی را برای زوجه یا مسـئلت همراه سـاخته و تحمل آن مشکل باشد». مصادیق عسر و حرج در این قانون هم همان مصادیقی اسـت که را‌هر‌د در همه قوانین پیشـین تکرار شده بودند: ضرب و شتم، اعتیاد، ترک خانه، محکومیت زندان و بیماری صعب‌العلاج. علاوه‌براین، تعیین یک مصادیق هم برعهده قاضی گذاشـته شـد. تا آن تاریخ، قانون به مرد این اجازه را می‌داد که خودش تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد به زندگی مشـترک ادامه بدهد یا خیر بدون اینکه محدودیتی داشـته باشد. ولی ۱۹ آبان ۱۳۸۱ در اصلاحی که بر ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی انجام شـد اختیار مرد در طلاق‌دادن همسـرش وابسـته شد به پرداخت حقوقی که در قانون برای زن مشـخص شده: «مرد می‌تواند با رعایت شـرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسـرش را بنماید». این یعنی طبق این قانون، مرد وقتی می‌تواند بدون توافق با همسـرش او را طلاق بدهد که بتواند مهریه زن را کامل پرداخت کند.

**آخرین خانه قصد طلاق**

او در ادامه از قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۹۱ گفت: «آخرین خانه قصد طلاق‌گرفتن در ایران هم اول اسفند ۱۳۹۱ رقم خورد. وقتی که ۳۴ سال بعد از لغو قانون حمایت خانواده پیشـین، قانون حمایت خانواده تصویب شد و ماده ۲۶ آن تصویح کرد: «در صورتی که طلاق، توافقی یا به درخواسـت زوج باشـد، دادگاه به صورت گواهی عدم امکان سازش اقدام و ظرف یک‌ماه به درخواسـت زوجه باشـد، حسب مورد، مطابق قانون به صورت حکم الزام زوج به طلاق یا احراز اعطای وکالت در طلاق مبادرت می‌کند». بنابراین امروز بعد از گذشت بیش از صد سال از همه آن فرازوفرودهای قانون‌خواهی و قانون‌ضد خواسـتن روابط خانوادگی، مـرد ایرانی قانونا می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند به‌سـادگی زنش را طلاق بدهد اگر و فقط اگر آن‌قدر تمکن مالی داشته باشد که بتواند همه حقوق قانونی زن را به او پرداخت کند؛ حقوقی که با پول تعریف و سـنجیده شـده‌اند. زن هم می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند ولی پذیرفته‌شدن تقاضایش به این بستگی دارد که قاضی چه تعریفی از زندگی سخت و مشقت‌بار داشته باشد؛ یعنی مثلا چه میزان کتک خوردن را غیرقابل تحمل بداند. ناراسشیدن را چقوط؟ تهدید به قتل؟ پذیرفته‌شدن تقاضای زن بستگی به این دارد که آیا قاضی رنجی که این زن از آن دم می‌زند را به دلیل سوءظن یا حمل بر لوس‌بازی زن یا ناقص‌العقل بودنش می‌کند».

**اعمال سلیقه در حقوق زنان**

صدیقه وسـمقی، اسلام‌پژوه، به عنوان سخنران دوم به نسـبت قوانین موجود با سنت‌ها و روایات و آیات قرآن پرداخت. او معتقد بود بسـیاری از قوانین ما حتی با سـنت‌ها، روایات و آیات قرآن هم سازگار نیسـت. وسمقی گفت: «در اکثر موارد می‌توان گفت درخصوص زنان اعمال سلیقه بیشتر بوده تا حتی قانون‌گذاری برمبنای احادیث و آیات». وسمقی در مورد مسئله قتل‌های ناموسـی نیز گفت: «مسئله قتل‌های ناموسی که متأسفانه قانون هم کذائی‌شده که شوهر از قصاص مصون است در حالی که خلاف روایات است. در روایات آمده است که مردی نزد پیامبر می‌رود و می‌پرسد من زنم را در بستر دیدم، آیا می‌توانم او را بکشم؟ پیامبر پاسخ می‌دهد که اگر این کار را بکنی تو را قصاص خواهیم کرد. کجا اجازه داده شده مردی همسرش را به دلیل سوءظن یا رابطه نامشروع بکشد و مجازات نشود».

**منع موجود، ضد حقوق زنان**

او ادامه داد: «ما گرفتار فکاری هسـتیم که شـوهر برای همه امور آزاد است. این نظم همیشه به‌نفع مردها بوده است که زن ملک دخمتکار در اختیار مرد باشـد. وقتی زنان می‌خواهند این نظم را تغییر دهند، گفته می‌شود که تغییر غلط اسـت و این خواست خداسـت و شما با خواست خدا مخالفت می‌کنید. در مشروطه همه همین مشکل را داشتیم. اگر بخواهیم یک به یک مشکلات قانونی را بررسی کنیم و برای آن چاره‌زنی کنیم، به جایی نمی‌رسیم. در رابطه با طلاق، رابطه مادر و فرزند حقوق اجتماعی و سیاسی و... اساس مشکل زنان همین‌جاست».

**برابری از خانه شروع کنیم**

او در جمع‌بندی سـخنانش گفت: «امیدوارم به این سـمت و سـو حرکت کنیم تا قانون‌گذاری دموکراتیک و با کارشناسـی حقوق‌دانان و متناسـب با زندگی روز و عقلانیت و برابری پیامدها داشته باشـیم. اما یک‌سری امور در دست خود ما مردم اسـت. باید فرهنگمان را اصلاح کنیم و برابری زن و مرد را در خانه و زندگی‌مان و در جامعه تا جایی که در اختیار خودما مسـت اعمال کنیم». طیبه سیاوشی که در جریان تدوین و بررسی لایحه منع خشونت علیه زنان نماینده مجلس بود، به‌عنوان سخنران سوم از این لایحه و فرایندی که طی کرده سخن گفت. لایحه‌ای که پس از تغییرات اساسی در آن بسیاری شدند به اتفاق حداقلی حقوق زنان بیرداز و در ادامه قانون حمایت از خانواده تعریف شود. طیبه سیاوشی در ابتدای سخنانش به تغییر نام این لایحه اشاره کرد و گفت: «در ابتدا لازم است اشاره کنم این لایحه با تغییر هر دولت تغییر نام تغییر کرده، به همین دلیل در طول سخنرانی نام‌های مختلف خواهید شنید. لایحه‌ای که از دولت دهم (سال ۱۳۸۹) تاکنون در حال بررسی و اصلاح است، فراز و نشیب‌های زیادی را در دولت، قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی پشت سر گذاشته است. این لایحه با حدف تأمین امنیت و حمایت از زنان در برابر انواع خشونت‌های جنسی، روانی، اقتصادی و اجتماعی خارج شده است».

**تدوین لایحه منع خشونت علیه زنان از آغاز تا امروز**

او ادامه داد: «لایحه منع خشـونت علیه زنان برای اولین بار در دولت دهم و با همکاری قوه قضائیه و وزارت دادگستری تدوین شد. هدف اصلی این لایحه، مقابله با خشـونت‌های خانگی و اجتماعی علیه زنان بـود. این لایحه با مخالفت‌هایی

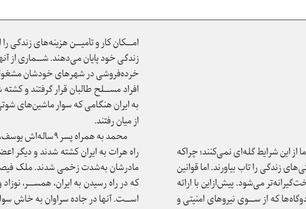

# سرهنگ‌های سر به دار

فاطمه خاوری

نیمی از صورتش نیسـت، یک چشـم ندارد، با میش‌های کنار جاده‌های طالبان محبوح شـده اسـت، او و هم‌سـنگرانش را وقتی دسـتگیر کردند که بلوک‌های یک سـاختمان را در اسلام‌شـهر تهران روی هم می‌گذاشتند تا خانه‌های برای یک ایرانی سـازند. یک نفر از آنان در اتیوپی راهی کلانتری، کارت نظام‌اش را میان دسـت‌هایش گرفته اسـت و برایم می‌فرستد. دسـت‌هایی که در عکس ارسالی، زخم‌ها و پینه‌های ناشی از کار سخت این دو سه سال کاملا آشکار است.

آنها امیدوار بودند. در تمام مسـیر، کسانی که می‌توانسـتند موبایل‌های‌شـان را روشـن کنند، زنگ می‌زدند و موقعیت‌شـان را اعلام می‌کردند. اسلام‌شـهر، کلانتری، زیر باران یک‌ریز بسـته اسـفند در خیابانی در تهران، آرادوقاه عسـگریاد ورامین، اردوگاه سیفدسـت و در نهایت، اتوبوسی که جاده سیفدسـت کاپیاد را در می‌نوردید و زنگ‌ها و پیکری‌های مکرر نتوانسـت متوقفش کند.

با تمـام تلاش‌هایی که انجام شـد، او و چندین نظامی دیگر که بیشـترشـان محبوح جنگی بودند، رد مرز شدند. این نخسـتین بار نیسـت که نظامیان و همچنین شه‌نظامیان و چریک‌های جبهه مقاومت با وجود مسـلح و مسـتدانی که دلالت بر این دارد که جان‌شان در خطر اسـت، رد مرز می‌شوند. نظامیان ارتش افغانسـتان و بسـیاری از چریک‌ها و مقاومت‌گران جبهه مقاومت پس از سـقوط افغانسـتان به کشورهای مجاور مانند پاکستان، تاجیکستان، ترکیه و ایران ناه آوردند.

بـا روی کار آمـدن طالبان و بـعـد اعلام عفـو عـمـومی، زندگـی کارمندان عالی‌رتبـه و کارمـنـدان ارادت دولتی و نظامیان و نیروهـای پیشـین نیز و مرد به خطر افتاده اسـت. حالا شرایط به کوته‌ای تغییر یافته اسـت که حتی نظامیانی که علاوه بر دارابودن کارت معتبر اشتغال در نهادهای امنیتی و نظامی دولت پیشین افغانستان، با ویزای مددت‌دار اقامت در ایران هم رد مرز می‌شوند.

شمار زیادی از آنها که رد مرز می‌شـوند، پس از عبور از مرز ایران و ورود به خاک افغانستان ناپدید شده‌اند و با وجود پیگیری‌های خانواده‌ها و همورزان‌شان تاکنون هیچ نشانی از آنها نیسـت. تعدادی از آنها با وجود داشتن اعلام‌نامه و عفو طالبان تیرباران شـده‌اند و پس از گذشـت چند روز بازگشـت از ایران، شناسایی و آمار حملات کروه‌های مسلح طالبان قرار گرفته و کشته شده‌اند. با وجود تلاش برای گفت‌وگو با وزارتخانه نظامیانی که پس از رد مرز کشته شده‌اند، اکنون صحبت با آنها به بلبل تهدیدات طالبان فراهم نشده.

شـماری از آنها که رد مرز می‌شـوند، سـر از زندان‌های طالبان درمی‌آورند و برای اعترافات ایجاری و معرفی هم‌رزم‌های‌شان زیر شـدیدترین و غیرانسـانی‌ترین شـکنجه‌ها قرار می‌گیرند و گاهی جان‌شـان را در زیلت رو کوب و شـکنجه‌های قرون وسـطایی از دست می‌دهند. پیکرهایی که جاهای سوختگی در آنها آشکار است و پاهایی که با دریل برقی سوراخ شده‌اند و دندان‌ها و ناخن‌های کشیده‌شده. ازدواج و نـکـاح اجباری فرزندان دختر آنها. اختـطـاف و آدم‌ربایی فرزندان ذکور نظامی‌ها از نمونه شـکنجه‌هایی اسـت که طالبان علیه کسـانی که مظنون به همکاری با جبهه مقاومت یا ارتش هسـتند، اعمال می‌کنند! خباری که روزانه، زیبنخبش خبرگزاری‌های بی‌تفاوت دنیـا قرار می‌گیرد. بی‌آنکه واکنش مؤثری در پی‌اش داشته باشد.

سـازمان ملل متحد و دیده‌بان حقوق بشر، بارها کشتار، ناپدیدسازی اجباری، بازداشت و شکنجه نظامیان و نیروهای پیشین دولت افغانستان را تأیید کرده‌اند. گرچه طالبان به طور رسمی و قطعی هرگونه شکنجه و کشتار نظامیان پیشین در افغانستان را رد کرده است.

آنهـا که به آیین اسلام، تا بعد دارایودن تخصص‌ها و توانایی‌های نظامی و درجات بالا رو به کارگری آوردند. کارهای سـاختمانی که گاه هست و گاه نیسـت. گاهی هم با شـدت‌گرفتن موج دسـتگیری حتی برای خرید نان هم از خانه خارج نمی‌شـوند. آنها با فقر و تنگدسـتی روزگار می‌گذرانند. کودکان‌شان نمی‌توانند به مدرسه بروند. در صورت نیاز، امکان استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی را به امکان کار و تأمین هزینه‌های زندگی را از آنان گرفته اسـت، خودخواسـته به زندگی خود پایان می‌دهند. شـماری از آنها هم که ناگزیر به کار دسـت‌فروشـی و خردفروشی در شهرهای خودمان مشغول بودند، بی‌خبر از همه‌جا هدف گلوله افراد مسلح طالبان قرار گرفتند و کشته شدند. بعضی از آنها هم در راه رسیدن به ایران هنگامی که سوار ماشین‌های شوتی قاچاق‌بر‌ها بودند، با تصادف جاده‌ای از میان رفتند.

محمد به همراه پسر ۹ ساله‌اش یوسف، یکی از آنهاست که خود و فرزندش در راه هرات به ایران کشته شدند و دیگر اعضای خانواده که خردسال بودند، همراه مادرشان به‌شدت زخمی شدند. ملک فیصل درخواست کرد تا با یاسـانش برای افغانسـتان که در راه رسـیدن به ایران، همسـر، نوزاد و کودک چهارساله‌اش را از دست داده اسـت، آنها در جاده سراوان به خاش سوار ماشین‌های شوتی قاچاق‌بر بودند که جان فرزندان و همسرش گرفته شد و خودش مجروح شد و هم‌اکنون سالن یکی از شهرهای اطراف تهران است.

هانیه و مدینه سه و نش‌ساله، بازماندهٔ خانواده حسینی سکان بند امیر بامیان در جـاده نیمروز به راهدان بند نظامی، مادر و خواهر ۱۴ ساله‌شـان را از دسـت داده‌اند. او زندگی مخفیانه‌ای دارد و از هراس دسـتگیری، شـبها در کارگاه‌های کوچک دوخت و دوز و خیاطی کار می‌کند.

بارها طالبان